

مدل‌یابی ساختاری عوامل استقلال‌خواهی مناطق جدایی‌طلب و تأثیر آن بر افزایش جنبش‌ها

دلشاد خضری^۱، زهرا پیشگاهی‌فرد^{۲*}، عزت‌الله عزتی^۳

^۱ دانش‌آموخته دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

^۲ استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۶

چکیده

نقشه سیاسی جهان از سال ۱۶۴۸ میلادی زمانی که طبق معاهده وستفاليا حق حاکمیت حکومت‌ها در قلمرو سرزمینی آنها به وسیله قدرت‌های بزرگ اروپایی به رسمیت شناخته شد تاکنون دچار تحولات زیادی شده است. در قرن بیست و یکم محور تفکرات و تحولات ژئوپلیتیکی قومیت‌ها و ملیت‌ها خواهد بود بطوری‌که در قرن حاضر شاهد رشد جنبش‌های استقلال‌خواهانه‌ی مناطق جدایی‌طلب در مناطق مختلف ژئوپلیتیکی جهان هستیم. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی و نیز با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی از طریق تکنیک تحلیل مسیر با نرم‌افزار Lisrel، بدنبال ارزیابی و ارائه‌ی مدل عملیاتی از عوامل تأثیرگذار بر استقلال مناطق جدایی‌طلب و تأثیر آن بر خودآگاهی و افزایش جنبش‌های جدایی‌طلب می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که به ترتیب عوامل سیاسی ۸۰/۴۸، نظامی-امنیتی ۷۸/۳۴، سرزمینی ۷۴/۶۲، ژئواکونومیک ۶۰/۰۷، ژئوپلیتیک ۵۵/۱۲، ژئوکالچر ۵۰/۷۶ و هیدروپلیتیک ۴۷/۳۸، بیشترین ضریب معناداری را با استقلال مناطق جدایی‌طلب دارند و استقلال این مناطق نیز با خودآگاهی و افزایش جنبش‌های جدایی‌طلب رابطه‌ی معناداری دارد. همچنین نتایج شاخص‌های برازش مدل نشان داد مدل طراحی شده با داده‌های نمونه برازش مناسب و ارتباط نزدیکی با فرض‌های نظری دارد.

کلید واژه‌ها: جدایی‌طلبی، استقلال‌خواهی، مناطق ژئوپلیتیکی، خودآگاهی، تکنیک تحلیل مسیر

مقدمه

در گذران دگرگونی‌های چشمگیر ژئوپلیتیک دهه واپسین قرن بیستم و ابتدای دهه‌ی آغازین قرن بیست و یکم، دگرگونی‌های اساسی در جهت‌گیری‌های ناسیونالیستی دیده شد. در این جهت‌گیری نوین، ناسیونالیسم ایدئولوژی حکومت نیست؛ روالی نیست که از سوی حکومت برای در بر گرفتن طبقات گوناگون جامعه، جریان داشته باشد. جهت‌گیری‌های نوین ناسیونالیستی که سبب استقلال شمار زیادی از کشورهای نوین در اروپای خاوری، آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین سبب آزادی شمار دیگری از ملت‌ها در اروپای مرکزی در دهه ۱۹۹۰ شد، روالی نیست که از بالا (حکومت) به پایین در جریان باشد. این دگرگونی شاهد روند تازه‌ای از ناسیونالیسم است که از سوی مردم، به سوی بالا (به سوی حاکمیت) در جریان است و نهادها و نمادهایش با نهادها و نمادهای روال کلاسیک ناسیونالیسم تفاوتی ژرف دارد. این روال نوین ناسیونالیسم پدیده فلسفی - سیاسی - جغرافیایی کاملاً تازه و نیازمند مطالعاتی کاملاً جدید است. بنابراین ناسیونالیسم با بهره‌گرفتن از همان کشش احساسی، در مقام نیروی جدا کننده سبب متلاشی شدن کشورهای چند ملیتی می‌شود. این نقش‌آفرینی با تئوری سیرکولاسیون (حرکت) ژان گاتمن هماهنگی دارد که با تحولات عمومی جهان سیاسی پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم منافات ندارد. روند چشمگیر به هم پیوستن و یکپارچه شدن اطلاعاتی و اقتصادی جهان بشری (جهانی شدن‌ها) در این دوران ناشی از تصمیم و اراده ملت‌های مستقل و حاکم بر سرنوشت خود است. این روند، حرکتی را سبب می‌شود در جهت عکس و آن تحریک ناحیه‌گرایی و ملت‌گرایی‌ها، میان گروه‌های ملتی عضو کشورهای چند ملیتی است. این گونه ملت‌ها برای دست یافتن به نقش‌آفرینی شایسته در جهانی شدن‌های گسترده قرن بیست و یکم از راه دست یافتن به حاکمیت ملی، بناچار می‌کوشند از محدوده کشورهای چندملیتی که در آن گرفتار آمده‌اند رها شوند و آنگاه رو به سوی روند به هم پیوستن اطلاعاتی و اقتصادی برای نقش‌آفرینی سیاسی و حفظ و گسترش منافع ملی در جهان سیاسی شکل‌گیرنده نهند (مجتهدزاده، ۱۳۸۶). در قرن حاضر محور تفکرات و تحولات ژئوپلیتیکی قومیت‌ها و ملیت‌ها خواهد بود که در چنین فضایی ما باید شاهد کاهش تدریجی قدرت دولت‌ها و حکومت‌ها و واگذاری تدریجی آن به واحدهای محلی و شرکت‌های فراملی باشیم که این پدیده خود می‌تواند روی نقشه سیاسی جهان تأثیرات شگرفی بگذارد. در چنین فضای ژئوپلیتیکی اگر حکومت‌ها خود به الگویی هماهنگ با شرایط محیط جغرافیایی خود دست نیابند، قدر مسلم این الگو به آنها تحمیل خواهد شد (عزتی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳). در نتیجه این کشورها قدرت کمتری برای حفظ و پایداری خود خواهند داشت. بنابراین عدم شناخت و هماهنگی کشورهای چند ملیتی با این تحولات جدید به تشدید ناسیونالیسم اقوام می‌انجامد و جدایی‌طلبی که اساس ناسیونالیستی و قوم‌گرایی می‌باشد، حاکمیت کشورهای اقتدارگرا را به چالش خواهد کشید.

در کشورهای چند ملیتی اگر اقلیت قومی از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجه نسبت به اکثریت پیرامونی برخوردار باشد دچار نوعی احساس خوداتکائی، جدائی و استقلال سیاسی می‌شود و مطالبات خود از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر و نهایتاً استقلال سیاسی را مطرح می‌کند. معمولاً چون اکثریت از قائل شدن چنین حقوقی برای اقلیت، به عنوان امری داوطلبانه، امتناع می‌ورزد؛ الگویی مناسبات خصمانه بین اقلیت

و اکثریت نسبتاً هم وزن شکل می‌گیرد و خودمختاری یا استقلال یا ادامه‌ی وضع سلطه‌ی اکثریت را تا وقت دیگر به دنبال دارد. بروز هرکدام از این موارد بستگی به مناسبات و سازگاری اقلیت و اکثریت، وزن ژئوپلیتیکی طرفین و سطح جلب مساعدت‌های نیروی سوم اعم از داخل کشور یا سطح بین‌المللی دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵).

برنارد کوهن نویسنده‌ی کتاب ژئوپلیتیک نظام جهانی، پیش‌بینی می‌کند با تجزیه‌کنونی کشورهای حاکم از طریق رفراندوم یا درگیری، این افزایش در تعداد دولت‌ها احتمالاً ادامه خواهد داشت و به ۲۵۰ تا ۲۷۵ موجودیت ملی مجزا در نیم قرن بعدی خواهد رسید (کوهن، ۱۳۸۷). با گذشت دو دهه از قرن بیست و یکم، جهان همچنان شاهد زایش کشورهای نوظهور است. نخستین کشور تیمور شرقی بود که با وجود اعلام استقلال در سال ۱۹۷۵ از پرتغال، تا سال ۲۰۰۲ در اشغال اندونزی بود و در همین سال سازمان ملل متحد آن را به رسمیت شناخت. بیشترین تحولات در شرق اروپا و در پیوستگی‌های ساختگی کشور یوگوسلاوی رخ نمود. کشور مونته‌نگرو پس از یک همه‌پرسی در سوم ژوئن ۲۰۰۶ از صربستان جدا شد. صربستان هم پس از جدایی مونته‌نگرو، هویت جدید برای خود تشکیل داد. در ادامه‌ی این تحولاتن کوزوو در سال ۲۰۰۸ از صربستان جدا شد. آخرین کشور نیز سودان جنوبی بود که پس از یک همه‌پرسی سازشکارانه در ۹ جولای ۲۰۱۱ استقلال خود را از سودان اعلام کرد. تحولات سرزمینی در سده‌ی بیست و یکم در اوکراین و ایالت کریمه ادامه یافت و مردم ایالت کریمه پس از شرکت در یک همه‌پرسی خواستار الحاق خود به خاک روسیه شدند (حافظ‌نیا و کاوندی‌کاتب، ۱۳۹۶، ص ۳۶-۳۵).

در دهه‌ی دوم قرن بیست و یکم مناطق جدایی‌طلب پا فراتر نهادند و ادعای استقلال و جدایی از دولت مرکزی را به طرق گوناگون از مبارزه در کارزار انتخابات حزبی گرفته تا تهدید به جدایی یک طرفه مطرح نمودند. همانطور که دولت اسکاتلند در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴ برای استقلال اسکاتلند از کشور بریتانیا، اقدام به همه‌پرسی از رای‌دهندگان اسکاتلندی کرد که در نهایت با رای منفی بیش از ۵۰٪، اسکاتلند به عنوان بخشی از بریتانیا باقی ماند اما در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۱۷ پارلمان اسکاتلند به برگزاری دوباره همه‌پرسی جدایی اسکاتلند از بریتانیا رای مثبت داد؛ همه‌پرسی برای استقلال کردستان عراق نیز در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد که بیش از ۹۲ درصد رای به جدایی از عراق دادند ولی پس از چندی با غیرقانونی خواندن آن از طرف دولت مرکزی و مقابله نظامی با آن مخالفت شد. همچنین همه‌پرسی استقلال کاتالونیا در اول اکتبر ۲۰۱۷ برگزار شد با وجود رای مثبت بالای ۹۲ درصد، نیروهای نظامی اسپانیا اقدام به متوقف کردن همه‌پرسی کردند. بر این اساس باید شاهد افزایش جنبش‌های استقلال‌خواهانه‌ی مناطق جدایی‌طلب در قرن حاضر و در پی آن تغییر نقشه‌ی سیاسی جهان با افزایش درگیری و تنش در کشورهای چندملیتی باشیم.

در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و پیمایشی، اهمیت تحولات ژئوپلیتیکی قرن بیست و یکم و خودآگاهی ملت‌ها و اقوام در کشورهای چندملیتی را به تصویر می‌کشیم و بدنبال پاسخ به این سوال هستیم که عوامل مؤثر بر استقلال مناطق جدایی‌طلب کدامند؟ و آیا استقلال مناطق جدایی‌طلب بر خودآگاهی و افزایش جنبش‌ها در دیگر مناطق تأثیر دارد؟ بر این اساس فرضیه‌های زیر قابل ارائه است:

- (۱) به‌نظر می‌رسد عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیک، سیاسی، ژئوکالچر، ژئواکونومیک، سرزمینی، نظامی-امنیتی و هیدروپلیتیک، بر استقلال مناطق جدایی‌طلب تأثیر دارند.
- (۲) به‌نظر می‌رسد که استقلال مناطق جدایی‌طلب بر خودآگاهی و افزایش جنبش‌های جدایی‌طلب تأثیر دارد.

مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

روند شکل‌گیری حکومت و به دنبال آن تشکیل یک کشور، پدیده‌ای تاریخی و از جمله دغدغه‌های پژوهشی صاحب‌نظران علوم انسانی است که از منشأ و چگونگی آن اطلاع‌چندانی در دست نیست. از همین رو نظریه‌های گوناگونی در زمینه‌ی شکل‌گیری کشور و حکومت و بقای آن، مطرح شده است. هر یک از نظریه‌ها بر بُعد یا ابعادی از عوامل مادی و معنوی مؤثر بر این موضوع اشاره دارند (حافظ‌نیا و کاوندی‌کاتب، ۱۳۹۶، ص ۳۶). در زیر با تعریف مفاهیم تحقیق به برخی از نظریه‌های مربوط به پیدایش و منشأ کشورها می‌پردازیم تا روند و ایده‌های ساخت کشور و همچنین تلاش مناطق جدایی‌طلب برای اضافه شدن به نقشه‌ی سیاسی جهان را به تصویر بکشیم.

مناطق ژئوپلیتیکی^۱

دومین سطح از ساختار ژئوپلیتیکی، منطقه ژئوپلیتیکی می‌باشد. اکثر مناطق زیربخش‌هایی از حوزه‌ها هستند، اگر چه ممکن است برخی میان آن‌ها قرار داشته یا مستقل از آن‌ها باشند. مناطق توسط همجواری جغرافیای و تعاملات سیاسی، فرهنگی و نظامی و شاید به واسطه مهاجرت و آمیزش مردمان و تاریخ مشترک ظهور ملی، به یکدیگر پیوند می‌خورند (کوهن، ۱۳۸۷، ص ۹۱). منطقه‌ی ژئوپلیتیک، عرصه‌ی وسیع جغرافیایی است که بر پایه‌ی تقسیمات سیاره‌ای شکل گرفته و در برگیرنده‌ی مناطق یا واحدهای سیاسی متعددی است که معمولاً از یک یا چند ویژگی برجسته‌ی سیاسی-امنیتی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار و در مقیاس جهانی نسبتاً یکسان و پایدار است. بر این اساس، نظام جهانی ژئوپلیتیک از مناطق ژئوپلیتیکی متعددی تشکیل یافته که هر یک از آنها به‌رغم تضادها و ناهماهنگی‌های درونی، به‌واسطه‌ی برخورداری از ویژگی‌های مشترکی که بر پایه کارکردهای سیاسی و اقتصادی و حتی فرهنگی مستقل استوار است دارای هویت ویژه و مشابهی هستند (رشنو، ۱۳۹۲، ص ۳۲).

جدایی‌طلبی^۲

مفهوم «جدایی» در ادبیات روابط بین‌الملل مصادیق مختلفی را در بر می‌گیرد که هر یک از آن‌ها از منظر حقوق بین‌الملل واجد آثار حقوقی متفاوتی است. این مفهوم گاه بر مورد فروپاشی، انضمام، ادغام و یا واگذاری نیز اطلاق می‌شود؛ در حالی که جدایی در مفهوم مضیق عبارت است از ایجاد موجودیتی مستقل از طریق تفکیک بخشی از سرزمین و جمعیت، از دولت موجود است، بدون آن که رضایت دولت مادر نسبت به تفکیک وجود داشته باشد (Kohen, 2006, p3). برخی کشورها دارای مناطق هستند که به دلایل تاریخی و فرهنگی گرایش‌های شدید

¹ Geopolitical Region

² Secessionism

جدایی طلبانه دارند. این احساسات و تمایلات ممکن است در سراسر منطقه معروف به اقلیت، به طور یکسان وجود داشته باشد (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۸۱). در واقع، جنبش‌های جدایی طلب در اثر فاکتورهای زیادی به وجود می‌آیند که بعضی‌ها منحصر به تاریخ و شرایط یک منطقه مشخص هستند اما همگی با این اعتقاد که یک گروه قومی خاص از نابرابری و بی عدالتی (سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی) رنج می‌برد، به پیش می‌روند (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲).

ناسیونالیسم قومی^۱

اصطلاح ناسیونالیسم قومی را واکرکورنر رایج ساخت؛ در بیشتر آثار قوم‌شناسان جدید مفهوم قومیت با ملیت برابر فرض می‌شود (Connor, 1994). منظور از ناسیونالیسم قومی «ناسیونالیسم ملت‌های بی دولت» است و در تقابل با ناسیونالیسم کشوری^۲ قرار می‌گیرد (Shulman, 2002). ناسیونالیسم قومی نوعی ایدئولوژی سیاسی است که در آن ملت برحسب قومیت تعریف می‌شود. ناسیونالیسم قومی همواره از نسل‌های پیشین عناصری را به همراه دارد، صرف نظر از اینکه قومیت خاص شامل چه عناصری باشد این ایدئولوژی در برگزیده ایده‌های یک فرهنگ بوده که میان اعضای گروه و نیاکان آنها به اشتراک گذاشته شده است و همچنین دارای یک زبان مشترک بوده که در برخی جهات از سایر زبان‌ها متفاوت است ناسیونالیسم قومی در حال حاضر گونه غالب ناسیونالیسم در جهان است و اغلب از آن به عنوان ناسیونالیسم یاد می‌شود (پیشگاهی فرد ۱۳۸۶، ۷۱۵).

استقلال خواهی^۳

استقلال خواهی، تمایل اعضای یک اتحادیه و یا کوشش آنان برای دستیابی به حاکمیت بر سرنوشت خود است. این اتحادیه ممکن است یک خانواده یا کارگاه کوچک باشد و یا یک کشور بزرگ. هر کسی می‌تواند سرنوشت خود را از اتحادیه‌ای که روند آنرا به سود سرنوشت خود نمی‌بیند و یا دیگران رفتاری تبعیض آمیز با او دارند و یا حتی بدون هیچگونه دلیلی و صرفاً بنا به تمایل قلبی، جدا کند و راهی مستقل را در پیش گیرد. استقلال خواهی و حاکمیت بر سرنوشت خویش هرگز به معنای عداوت و دشمنی با اتحادیه پیشین و نادیده انگاشتن آن نیست و تنها کوشش برای زندگی و فعالیت مستقل است (رضوی، ۱۳۹۰).

نظریه ارگانیک بودن

راتزل متأثر از نظریه تکاملی داروین و نیز دیدگاه دارونیسیم اجتماعی هربرت اسپنسر، نظریه خود را ارائه داد. او کشور را موجود زنده‌ای می‌داند که مراحل زندگی تولد، رشد، بلوغ و مرگ است و بر همین اساس قوانین رشد فضائی کشورها ارائه داد از نظر راتزل، کشور برای حیات و رشد خود به انرژی نیاز دارد و این انرژی از طریق

^۱ Ethnic Nationalism

^۲ civic nationalism or state nationalism

^۳ Independence

توسعه فضائی کشور با تمدن، فرهنگ و قدرت آن ارتباط برقرار کرد (Glassner, 1993, p223). راتزل و همفکران وی از جمله کسانی بودند که موفق شدند تأثیرات محیط را بر روی قدرت سیاسی ملت‌ها طبقه‌بندی کنند. وی معتقد بود، انسان لازم است برای کسب موفقیت، خود را با محیط هماهنگ سازد، همانطور که گیاهان چنین عملی را انجام می‌دهند. راتزل در کتاب جغرافیای سیاسی خود که در سال ۱۸۹۷ به چاپ رسید، تمام دیدگاه‌های خویش را در این زمینه برشمرد. راتزل معتقد بود، کشورها مانند یک موجود زنده، تابع قوانین خاص خود هستند. از دیدگاه راتزل، دولت حاصل تکامل ارگانیک است و اجزای وابسته آن، شبیه درختی است که اندام فضایی آن در خاک قرار دارد و برای آنکه این اندام رشد و تکامل یابد، توسعه ارضی لازم و ضروری است. هر چه وسعت کشوری بیشتر باشد، قدرت سیاسی و تمدن آن کشور توسعه بیشتری می‌یابد (عزت‌ی، ۱۳۸۸، ص ۱۱-۱۰). راتزل بر این باور بود که اگر کشورهای کوچک به اندازه جمعیت خود فضای کافی نداشته باشند و درصدد توسعه ارضی برنیایند، نابودی آنها حتمی است. پس از عوامل وسعت، راتزل برای عامل موقعیت جغرافیایی اهمیت قائل بود و اعتقاد داشت که موقعیت یک کشور در مجاورت یک دولت قوی یا ضعیف اهمیت راهبردی دارد (میرحیدر، ۱۳۸۵، ص ۶).

نظریه منطقه هسته

درونت ویتلسی^۱ جغرافی‌دان آمریکایی، منطقه‌ی هسته^۲ را ناحیه‌ای می‌داند که یک کشور در درون و یا پیرامون آن پدید می‌آید. منطقه‌ی هسته بیشتر، پرجمعیت‌ترین بخش یک کشور است که دارای پربارترین منابع طبیعی و یکپارچه‌ترین شبکه‌ی ارتباطات است و پایتخت را نیز در خود جای داده است. این کشور با گسترش مداوم سرزمین به دور یک هسته‌ی مرکزی که تحت کنترل و چیرگی منطقه‌ی است، رشد می‌کند و یکپارچگی را گسترش می‌دهد (مویر، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵).

انگیزه‌های دیالکتیک به هم پیوستن یک ملت در نظریه‌های هارتشورن و گاتمن

موجودیت یک «ایده حکومتی» و یک «سرزمین سیاسی» مشخص، به هر حال و در همه موارد، از عوامل حتمی و زیربنایی ساختن «علت وجود» یک ملت است. به هم پیوستن یک ملت به دو انگیزه دیالکتیک بستگی دارد: نیروهای گریز از مرکز^۳ که اجزای تشکیل دهنده یک موجودیت بالقوه را به سوی متلاشی شدن می‌راند و نیروهای گراینده به مرکز^۴ که اجزای تشکیل دهنده کشور و ملت را به هم نزدیک می‌کند و پیوسته نگاه می‌دارد. ایده‌های آیکونوگرافی^۵ و سیرکولاسیون^۶ از ژان گاتمن، مثال‌های دیالکتیک پراهمیتی از نیروهای گریزنده از مرکز و گراینده به مرکز است. هارتشورن، مانند گاتمن و دیگران، نیروهای گراینده به مرکز را عامل پیدایش کشورها و علت وجودی آنها دانسته است. وی در تشریح این باور گفته است: «نیروهای گراینده به مرکز که مورتاکید جغرافیادانان سیاسی

¹ Derwent Whittlesy

² core area

³ Centrifugal forces

⁴ Centripetal forces

⁵ Iconography

⁶ Circulation

قرار دارد، مشخصه‌های مادی موجودیت سرزمینی حکومت است». برخلاف گاتمن که نیروهای گراینده مرکز یا هر عامل دیگر مربوط به «علت وجودی» کشورها و ملت‌ها را از گروه عوامل آیکنوگرافیک و معنوی می‌داند، برخی از جغرافیادانان سیاسی، از جمله هارتشورن، عوامل مادی را نیز به اندازه عوامل معنوی مهم می‌دانند. از دید این جغرافیادانان، برای مثال، گستره سرزمینی و شکل جغرافیایی - هندسی یک کشور، می‌تواند عامل اصلی پیدایش یک ملت یا یک کشور باشد. دوبلیژ^۱ در نوشته‌ای، این موارد را به بحث مفصلی گرفته است. با این حال، به گمان می‌آید که عوامل مادی، به عنوان نیروی گراینده به مرکز، از درجات متفاوتی از کارآیی دیالکتیک برخوردار باشد. هشدار گاتمن و پیروان او در زمینه پراهمیت‌تر بودن عوامل معنوی، فرهنگی و اعتقادی در ایجاد و دوام موجودیت کشورها، هشدار درستی و بجاست. در جالی که گاتمن نیروهای گراینده به مرکز را ناشی از عوامل معنوی می‌داند و در باورهای مردم یک کشور جستجو می‌کند و مجموعه این عوامل را علت وجودی یک ملت یا کشور می‌شمارد. هارتشورن «ایده کشور»^۲ (ایدئولوژی کشور بودن = ناسیونالیسم) را مهمترین «علت وجودی» در پیدایش و دوام کشورهای مدرن ذکر می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۶، ص ۳۴).

الگوی یکپارچه‌سازی و تفکیک

ظهور کشورهای جدید و بقای آن‌ها از دید کارل دوپیچ^۳، نیازمند گروهی از عواملی است که بر این قرارند: تحول در کشاورزی معیشتی و شکل‌گیری اقتصاد نو، پیدایش نواحی هسته‌ای، رشد شهرها، توسعه زیرساختی شبکه‌های ارتباطی، رشد سرمایه‌داری، رشد علایق فردی و گروهی مردم، بیداری آگاهی‌های قومی، ادغام هیجانان قومی از راه فشار سیاسی و اجتماعی (Glassner & Faber, 2004, p56). به باور دوپیچ، با توسعه ملت، شکل‌یابی نظام سیاسی و وحدت سرزمینی، زمینه‌ی یکپارچگی میان بخش‌های مختلف فراهم می‌شود (حافظنیا و کاوندی‌کاتب، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

نظریه میدان متحد

استفان بی. جونز^۴ در سال ۱۹۵۴، با پل‌زدن میان جغرافیا و سیاست و ترکیب آرای سه جغرافی‌دان پیشور (ویلتسی، هارتشورن و گاتمن)، نظریه‌ی میدان متحد را مطرح کرد. بر این اساس، اندیشه‌ی کشور، زنجیره‌ای است که حلقه‌های میانی آن تصمیم، حرکت و میدان نام گرفته است. این امر حاکی از آن است که ظهور یک اندیشه‌ی مهم، به شکل‌گیری تصمیمی می‌انجامد که حرکت را در حوزه یا میدان کنشگری مخصوص ممکن می‌سازد. در پی این روند، حوزه‌ی سیاسی نوینی که بیشتر در قالب یک کشور است پدید می‌آید (مویر، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰).

¹ De bliz

² State-idea

³ Karl Deutsch

⁴ Stephan B. Jones

نظریه واکاوی نظام سیاسی

در آغاز سال ۱۹۷۱، سوئل کوهن و ال. دی روزنتال، با بهره‌گیری از آراء ویلتسی، هارتشورن و گاتمن، مقاله‌ای را زیر عنوان «یک مدل جغرافیایی از واکاوی نظام سیاسی»^۱ منتشر کردند که در آن به وضعیت کشورها پرداخته شده بود. نظام سیاسی، گروهی از عناصر مرتبط سیاسی با ویژگی‌های مشخص در محیط است. این نظام، محصول نهایی فرایندی است که در جریان آن انسان خود را در محیط اجتماعی و فیزیکی ویژه‌ای، سازماندهی سیاسی می‌کند و با نظام‌های سیاسی خارج نیز ارتباط دارد که بسته به نوع این ارتباط، به دو گونه‌ی باز یا بسته تقسیم می‌شود (Glassner & Feber, 2004, p56). کشورها به عنوان بخشی از نظام کلان جهانی، به یکدیگر و یا به دیگر مناطق جغرافیایی گرایش دارند. بسته بودن نظام و در ادامه کاهش داد و ستد انرژی، مقدمه فروپاشی آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۱۴).

نظریه جهان چهارم

در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ دیدگاه‌ها و نظریه‌های جدیدی پدیدار شد تا از این طریق موازی اقتصادی و انسانی پایدار جهانی را که تلاش ۱۶۸ کشور جهان حاصل شده بود، به منظور تحت فشار قرار دادن و تحت تأثیر قرار دادن بیش از ۵ هزار ملیت به کار بندد. اصول و مبانی این نظریه‌ها تحت عنوان تئوری جهان چهارم یا دیدگاه جهان چهارم به ۵ هزار الی ۸ هزار ملیت اصیل و باستانی اشاره داشته که در سطح جهان در میان کشورها معروفیتی نداشتند. اما جهان چهارم (ملل مورد بحث) از قبل بوده و مقاومت خود را ادامه داده است، به نحوی که طول تاریخ، ملل کشورهای مدرن را در پهنه‌ی جهانی به وجود آورده‌اند. تئوری جهان چهارم در اثر تلاش‌های پی‌گیر، قوانین بشری و تلاش‌های آکادمیکی انسان‌های متعدد و گروه‌های متنوع توسعه یافته است، اما در حقیقت رهبران مقاومت ملت‌ها سهمی بسزا در اطلاعات، دیدگاه‌ها و استراتژی‌های پایداری و مقاومت در مواجهه با برخوردها و تصویربرداری از نگارش‌ها، تلفن، فاکس، رایانه‌های جدید و اطلاعات بولتنی رایانه‌ای دارند. بالعکس طرح‌های ژئوپلیتیکی سنتی و نوشته‌های دانشگاهی در زمینه‌های سیاسی و مجلات جهان چهارم نخواهند توانست موفقیت کسب نمایند، زیرا تئوری جهان چهارم درصدد دگرگونی جهان بوده و سعی ندارد صرفاً آن را تبیین نماید. این تئوری با تکیه بر اطلاعات دست اول الکترونیکی و طرح‌های مباحثه‌ای متقابل و تدابیر استراتژیکی و به‌کارگیری نظریه‌های حاصله از اسطوره‌های مقاومت ملل، درصدد خنثی نمودن تحمیلات نظری و سیاسی دول و کشورها به وسیله‌ی بیانها و منطق کلامی می‌باشد. از شروع تجزیه و تحلیل تئوری جهان چهارم یک اختلاف و مغایرت اساسی مشهود است، بدین ترتیب که به‌جای عطف توجه به کشورها، سرزمین‌ها، و نواحی از طریق سنتی حکومت‌های گذشته، صرفاً به جغرافیا، تاریخ و سیاست، آن هم آن بخشی که به جهان ۵۰۰۰ واحد ملی ارتباط دارد، توجه می‌نماید (عزتی، ۱۳۸۶، ص ۹۵). بدیهی است که تئوری جهان چهارم محصول جنبش‌های روز افزون استقلال‌طلبانه‌ی اقوام در جهان از طرفی و نزاع و دشمنی‌هایی است که ریشه در تبعیضات و تعارض‌های قومی دارند. محصول این تعارض‌ها و دشمنی‌ها هزاران پناهنده و فراری سیاسی و قربانیان بی‌شمار کینه‌های قومی و خویشاوندی است که تاکنون با اقتدار

^۱ A Geographical Model of Political Systems Analysis

و تسلط حکومت‌های مستبد و مقدر مهار می‌شدند (عزتی، ۱۳۸۸، ص ۷۱-۷۲).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و به لحاظ ماهیت در چارچوب تحقیقات توصیفی-تحلیلی و پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش برای بررسی ادبیات نظری و استخراج شاخص‌های پژوهش از روش کتابخانه‌ای (کتاب، مقالات، وب سایت‌ها و ...) و از روش میدانی (مصاحبه و پرسشنامه) برای تبیین مدل پژوهش استفاده شده است. جامعه آماری شامل دانشجویان و فارغ التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و سایر رشته‌های مرتبط در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ می‌باشد. محققان با این استدلال که مدلسازی معادلات ساختاری و روش تحلیل مسیر تا حدود زیادی با برخی جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شبیه است، استفاده از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری، برای تعیین حجم نمونه در را پیشنهاد می‌کنند:

$5q \leq n \leq 15q$ که $q =$ تعداد متغیرهای مشاهده شده (گویه‌های پرسشنامه) و n حجم نمونه است (رامین مهر و چارستاد، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳). در این پژوهش گویه‌ها یا سؤالات پرسشنامه ۳۰ سؤال می‌باشد.

$$150 \leq 221 \leq 450 \quad 5 \times 37 \leq N \leq 15 \times 37$$

در این راستا و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش و آزمون فرضیه از روش تحلیل مسیر استفاده شده است، نمونه‌ای به حجم ۲۲۱ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. که بعد از اجرای پرسشنامه تعداد ۱۴ پرسشنامه به علت ناقص بودن جواب‌ها، حذف شدند و در نهایت ۲۰۷ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. پرسشنامه‌ای که در این پژوهش استفاده شد توسط پژوهشگر ساخته شده است و دارای ۳۰ سؤال می‌باشد که آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از خیلی زیاد=۵ تا خیلی کم=۱ امتیاز) به سؤالات پاسخ دهد.

در بررسی یک پرسشنامه یا مقیاس دو موضوع روایی و پایایی مطرح می‌باشد. پژوهش در مورد روایی و پایایی هر آزمون محدود به جامعه‌ای است که روایی و پایایی آزمون در آن جامعه مورد مطالعه قرار گرفته است و مصرف کننده آزمون باید به روایی و پایایی جامعه خود دسترسی داشته باشد (خضری و معنوی پور، ۱۳۹۵). در مرحله ارزیابی روایی محتوای پرسشنامه برای متخصصین جغرافیای سیاسی فرستاده شد که با توجه به بررسی این پرسشنامه در این مرحله از ۷۰ سوالی که طراحی شده بود تعداد ۳۰ سؤال مورد تأیید متخصصین قرار گرفت و در نهایت پرسشنامه استقلال‌خواهی مناطق جدایی طلب نام گذاری و برای اجرا آماده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به پرسشنامه ۰/۸۶۳ بدست آمد که از ۰/۷ بیشتر می‌باشد و نشان دهنده این مطلب است که پرسشنامه از اعتبار یا پایایی رضایت بخشی برخوردار است. لازم به ذکر است که قبل از اجرای تحلیل نهایی اقدام به غربالگری داده‌ها شد. همچنین پرسشنامه‌های برخی از آزمودنی‌ها به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شدند. به منظور تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های آماری مرتبط با آنها از نرم‌افزارهای Spss 20 و

Lisrel 8.8^۱ و برای تعیین مشخصه گروه مورد مطالعه از روش‌های متداول آمار توصیفی همانند توزیع فراوانی شاخص‌های گرایش به مرکز و شاخص‌های پراکندگی، برای بررسی رابطه بین متغیرها نیز از تکنیک تحلیل مسیر^۲ زیر مجموعه‌ی روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)^۳ استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

پس از مرور ادبیات موضوع، شناسایی و استخراج عوامل و شاخص‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و انجام مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران، شاخص‌ها مدل مفهومی تحقیق در هفت گروه از عوامل شامل: ژئوپلیتیک، سیاسی، ژئوکالچر، ژئواکونومیک، سرزمینی، هیدروپلیتیک و نظامی - امنیتی به شرح جدول ۱ گنجانده شدند که به عنوان متغیرهای مستقل پژوهش تأثیرشان را بر عامل استقلال‌خواهی مناطق جدایی طلب به عنوان متغیر میانجی که هم تأثیر می‌پذیرد (متغیر وابسته) و هم تأثیر می‌گذارد (متغیر مستقل) بر عامل خودآگاهی و افزایش جنبش‌های جدایی طلب (متغیر وابسته) که در واقع به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای استقلال مناطق جدایی طلب می‌باشد، مشخص گردیدند.

جدول ۱: عوامل و شاخص‌های مرتبط با استقلال‌خواهی مناطق جدایی طلب

عوامل	شاخص	منبع
ژئوپلیتیک	وزن ژئوپلیتیکی مناطق جدایی طلب	(حافظ‌نیا، ۱۳۸۵) (ژرژ، ۱۳۷۴)
	موقعیت ژئوپلیتیکی مناطق جدایی طلب	(فلینت، ۱۳۹۰) (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸) (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵) (Jones, et al, 2004)
سیاسی	نوع نظام سیاسی کشور	(کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸) (Robinson, 1961) (مجتهدزاده، ۱۳۸۶) (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۸) (قربانی‌نژاد، ۱۳۸۸) (احمدی‌پور، ۱۳۹۰) (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳)
	سطح حمایت‌های خارجی از جدایی طلبان	(حافظ‌نیا، ۱۳۸۵) (انتصار، ۱۳۹۰) (شیخ‌عطار، ۱۳۸۲)
	عدم انطباق علت وجودی کشور	(Hartshorn, 1950) (مجتهدزاده، ۱۳۸۶) (مرادی، ۱۳۹۲) (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳) (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۹۳)
	ضعف آرمان سیاسی کشور	(کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸) (حافظ‌نیا و کاوندی، ۱۳۹۶)
	خودآگاهی جدایی طلبان	(ژرژ، ۱۳۷۴) (انتصار، ۱۳۹۰) (مبارکشاهی، ۱۳۹۳) (Connor, 1994)
	ناسیونالیسم جدایی طلبی	(مویر، ۱۳۷۹) (مجتهدزاده، ۱۳۸۶) (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳) (درایسدال و بلیک، ۱۳۷۴) (انتصار، ۱۳۹۰) (السن، ۱۳۹۲) (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸) (Shulman, 2002) (Paquin, 2002)
	ژئوکالچر	ترکیب نامتوازن قومی، زبانی و

¹ Linear Structural Relationships

² Path analysis

³ Structural equation modeling

(میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳)	مذهبی کشور	
پیشنهاد نگارندگان	تأثیر فضای مجازی و بازآفرینی هویت جدایی طلبان	
(عزتی، ۱۳۸۸) (کریمی، ۱۳۸۹) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸) (حافظنیا و کاوندی، ۱۳۹۶) (محمدی و خالدی، ۱۳۹۱) (Hewitt & Cheetham, 2000)	انسجام درونی و اشتراکات تاریخی جدایی طلبان	
(کوهن، ۱۳۸۷) (السن، ۱۳۹۲) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸)	خود اتکایی اقتصادی و توسعه یافتگی مناطق جدایی طلب	ژئواکونومیک
(پیشگاهی فرد و امیدی، ۱۳۸۸) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸) (السن، ۱۳۹۲) (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳)	توسعه نامتوازن اقتصادی کشور	
(Connolly, 2013) (عزتی، ۱۳۹۰) (کلای مان، ۱۳۹۶) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸) (کوهن، ۱۳۸۷) (السن، ۱۳۹۰) (محمدی و خالدی، ۱۳۹۱) (مبارکشاهی، ۱۳۹۳)	برخورداری مناطق جدایی طلب از معادن و منابع انرژی استراتژیک	
(jounes, et al, 2004) (عزتی، ۱۳۸۹) (السن، ۱۳۹۲)	تنش و درگیری در بهره برداری از منابع با دولت مرکزی	
(کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸) (حافظنیا، ۱۳۸۵) (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳) (انتصار، ۱۳۹۰)	نحوه پراکندگی مناطق جدایی طلب در سطح کشور	سرزمینی
(حافظنیا و کاوندی، ۱۳۹۶) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸)	سیستم ارتباطی نامناسب کشور با مناطق جدایی طلب	
(کوهن، ۱۹۶۴) (حافظنیا و کاوندی، ۱۳۹۶) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸) (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۰)	شعاع نفوذ پایتخت با مناطق جدایی طلب	
(حافظنیا و کاوندی، ۱۳۹۶) (فولر، ۱۳۷۳) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸)	وسعت و شکل مناطق جدایی طلب	
(کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳) (بای، ۱۳۸۴) (محمدی و خالدی، ۱۳۹۱) (مبارکشاهی، ۱۳۹۳)	برخورداری مناطق جدایی طلب از منابع آب و سرچشمه رودها	هیدروپلیتیک
(عزتی، ۱۳۸۹) (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳)	تنش و درگیری در بهره برداری از منابع آب با دولت مرکزی	
(عزتی، ۱۳۸۸) (لویل و همکاران، ۱۳۹۴) (مرادی، ۱۳۹۲) (انتصار، ۱۳۹۰) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸) (حافظنیا، ۱۳۸۵) (بلاکسل، ۱۳۸۹) (Falk, 1991)	مبارزات نظامی جدایی طلبان	نظامی - امنیتی
(کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸) (مک داوال، ۱۳۸۳) (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳) (حافظنیا و کاوندی، ۱۳۹۶)	عدم اقتدار نظامی دولت مرکزی	
(مک داوال، ۱۳۸۳) (کلای مان، ۱۳۹۶)	حمایت نظامی قدرت های خارجی از جدایی طلبان	
(میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۳) (فلینت، ۱۳۹۰) (انتصار، ۱۳۹۰) (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸)	دنباله فرا مرزی مناطق جدایی طلب	

تنظیم و تدوین جدول: از نگارندگان

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری پژوهش حاضر ابتدا اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها استخراج و در جدول اطلاعات کمی تنظیم شد و پس از تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss20 و lisrel8.8 در دو بخش روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق به صورت زیر می‌باشد

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	آماره‌ها	تعداد	میانگین	خطای میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	دامنه تغییرات	کمترین نمره	بیشترین نمره
عامل ژئوپلیتیک	۲۰۷	۱۲/۷۱	۰/۱۲۷	۱/۸۳	۳/۳۴۳	۹	۶	۱۵	
عامل سیاسی	۲۰۷	۲۴	۰/۲۱۲	۳/۰۵	۹/۳۳	۱۵	۱۵	۳۰	
عامل ژئوکالچر	۲۰۷	۱۱/۵۵	۰/۱۲۲	۱/۷۷	۳/۱۲۲	۹	۶	۱۵	
عامل ژئواکونومیک	۲۰۷	۱۵/۷۱	۰/۱۶۲	۲/۳۳	۵/۴۰۹	۱۲	۸	۲۰	
عامل سرزمینی	۲۰۷	۱۴/۶۴	۰/۱۸۵	۲/۶۷	۷/۱۰۶	۱۴	۶	۲۰	
عامل هیدروپلیتیک	۲۰۷	۷/۱۵	۰/۱۱۵	۱/۶۵	۲/۷۲	۸	۲	۱۰	
عامل نظامی-امنیتی	۲۰۷	۱۶/۱۹	۰/۱۵۱	۲/۱۸۶	۴/۷۸۱	۱۱	۹	۲۰	
استقلال‌خواهی	۲۰۷	۱۰۲/۰۶	۰/۷۶۰	۱۰/۹۵	۱۱۹/۸۱۲	۶۱	۶۹	۱۳۰	
افزایش جنبش‌ها	۲۰۷	۷/۸۲	۰/۹۵۶	۱/۳۷	۱/۸۹۲	۶	۴	۱۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S): برای استفاده از تکنیک‌های آماری ابتدا باید مشخص شود که داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا غیر نرمال، چون در صورت نرمال بودن توزیع داده‌های جمع‌آوری شده برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیرنرمال بودن از آزمون‌های ناپارامتریک؛ بدین منظور در این مرحله به بررسی نتایج حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف می‌پردازیم و براساس نتایج حاصل، آزمون‌های مناسب برای بررسی صحت و سقم فرضیات پژوهش را انتخاب می‌کنیم. آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌های جمع‌آوری شده به این صورت است که: $H_0 =$ داده‌های استقلال مناطق جدایی طلب دارای توزیع نرمال است؛ $H_1 =$ داده‌های استقلال‌خواهی مناطق جدایی طلب دارای توزیع نرمال نیست:

جدول ۳: نتیجه آزمون نرمال بودن داده‌های تحقیق

متغیر	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	تأیید فرضیه	نتیجه‌گیری
استقلال مناطق جدایی طلب	۰/۱۶۵	۰/۰۵	H_0	نرمال است.

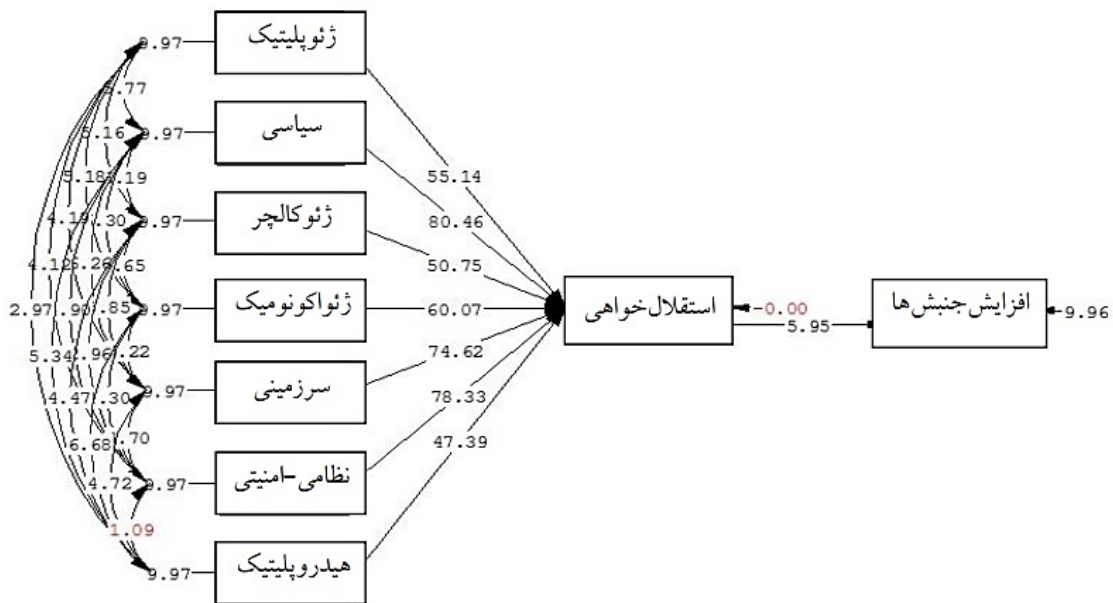
منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج (جدول ۳) اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا باشد، فرضیه صفر را نتیجه می گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی داری از مقدار خطا کوچکتر باشد فرضیه یک را نتیجه می گیریم. بنابراین باتوجه به اینکه سطح معنی داری برای تمام مؤلفه‌ها بزرگتر از مقدار خطا ۰/۰۵ در نتیجه این متغیرها دارای توزیع نرمال هستند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

باتوجه به نرمال بودن داده‌های تحقیق، روابط بین متغیرهای تحقیق (مستقل، میانجی و وابسته) را برای ارزیابی مقدار ضریب معناداری و نوع روابط آنها با تکنیک تحلیل مسیر که از روش‌های مبتنی بر رگرسیون چندگانه است را به صورت زیر (شکل ۱) با نرم افزار لیزرل ترسیم کردیم و در مرحله بعد شاخص‌های برازش مدل را تشریح می کنیم.

برای تأیید یا رد فرضیات تحقیق در مدل‌های ساختاری مقادیر T-Value یا سطح معناداری باید مورد بررسی قرار گیرند. بدین صورت که چنانچه این مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از ۱/۹۶- باشند فرضیه تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد (رامین مهر و چارستاد، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷). لذا مدل ارائه شده را در حالت T-Value تجزیه و تحلیل می کنیم.



Chi-Square=9.60, df=7, P-value=0.21246, RMSEA=0.043

شکل ۱: مدل ساختاری عوامل استقلال خواهی مناطق جدایی طلب در حالت معناداری T-value (منبع: یافته‌ها)

طبق مدل تحقیق در حالت معناداری T-value (شکل ۱) یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه بین تمام عامل‌های، ژئوپلیتیکی، سیاسی، ژئوکالچر، ژئوآکونومیک، سرزمینی، نظامی - امنیتی و عامل هیدروپلیتیک با استقلال خواهی مناطق جدایی طلب و بین استقلال خواهی با خودآگاهی و افزایش جنبش‌ها از ۱/۹۶ بیشتر است در نتیجه رابطه‌ی تمام این عوامل معنادار می‌باشد.

جدول ۴: یافته‌های حاصل از ارزیابی مدل تحلیل مسیر

ضریب مسیر (β)	عدد معنی داری (t-value)	تحلیل مسیر	
۰/۲۸	۸۰/۴۶	استقلال مناطق جدایی طلب	عامل سیاسی
۰/۲۳	۷۸/۳۳	استقلال مناطق جدایی طلب	عامل نظامی - امنیتی
۰/۲۴	۷۴/۶۲	استقلال مناطق جدایی طلب	عامل سرزمینی
۰/۲۱	۶۰/۰۷	استقلال مناطق جدایی طلب	عامل ژئوآکونومیک
۰/۱۷	۵۵/۱۴	استقلال مناطق جدایی طلب	عامل ژئوپلیتیک
۰/۱۶	۵۰/۷۵	استقلال مناطق جدایی طلب	عامل ژئوکالچر
۰/۱۵	۴۷/۳۹	استقلال مناطق جدایی طلب	عامل هیدروپلیتیک
۰/۳۹	۵/۹۵	عامل خودآگاهی و افزایش جنبش‌ها	استقلال مناطق جدایی طلب

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که داده‌های جدول ۴ مشخص است، تمامی مقادیر T-Value برای آزمون معناداری، ضرایب بالاتر از مقدار ۱/۹۶ می‌باشد؛ در نتیجه ضرایب بین مسیرها در سطح ۰/۰۵ معنادار است. با بررسی رابطه بین متغیرها با استفاده از مدلسازی ساختاری یا تحلیل مسیر، یافته‌ها تحقیق نشان داد که به ترتیب متغیرهای که بیشترین اثر را بر استقلال‌خواهی مناطق جدایی طلب می‌گذارند عبارتند از: عامل سیاسی ۸۰/۴۸، عامل نظامی - امنیتی ۷۸/۳۴، عامل سرزمینی ۷۴/۶۲، عامل ژئوآکونومیک ۶۰/۰۷، عامل ژئوپلیتیک ۵۵/۱۲، عامل ژئوکالچر ۵۰/۷۶ و عامل هیدروپلیتیک ۴۷/۳۹ می‌باشند. که گویای اهمیت شاخص‌های نوع نظام سیاسی کشور، سطح حمایت‌های خارجی از جدایی طلبان، عدم انطباق علت وجودی کشور، ضعف آرمان سیاسی کشور، خودآگاهی جدایی طلبان، ناسیونالیسم جدایی طلبی در زیر مجموعه‌ی عامل سیاسی می‌باشد که بیشترین ضریب معناداری را با استقلال مناطق جدایی طلب در این تحقیق به خود اختصاص داده است.

برازش مدل مفهومی تحقیق

برای شناخت این موضوع که مدل تدوین شده بر مبنای چارچوب نظری و پیشینه‌ی تجربی تا چه اندازه‌ای با واقعیت انطباق دارد، از شاخص‌های برازش مدل استفاده می‌کنیم و موضوع اصلی آن تبیین معیارهای علمی قابل قبول برای تأیید مدل نظری تدوین شده با استفاده از داده‌های گردآوری شده است (رامین مهر و چارستاد، ۱۳۹۲،

ص ۲۷۰). در زیر پرکاربردترین و مناسب‌ترین شاخص‌های برازش با دامنه‌ی پذیرش آن برای مدل تحقیق را تفسیر می‌کنیم.

جدول ۴: یافته‌های شاخص‌های برازش مدل تحلیل مسیر

نتیجه	مقدار مطلوب	شاخص برازش
۱/۳۷	<۳/۰۰	χ^2/df نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی
۰/۹۹	>۰/۹۰	GFI شاخص نیکویی برازش
۰/۰۴۳	<۰/۰۵	RMSEA
۰/۹۹	>۰/۹۰	NFI شاخص برازش هنجاریافته
۱/۰۰	>۰/۹۰	IFI شاخص برازش افزایش
۱/۰۰	>۰/۹۰	CFI شاخص برازش تطبیقی

منبع: یافته‌های تحقیق

کای اسکوئر و نسبت مجذور کای به درجه آزادی (χ^2/df): آزمون‌های مجذور کای این فرضیه را که مدل مورد نظر هماهنگ با الگوی همپراشی بین متغیرهای مشاهده شده است می‌آزماید. مقادیر کوچکتر آن نشان دهنده برازندگی بیشتر است مشخصه‌ی مجذور کای نسبت به حجم گروه نمونه خیلی حساس است و همین امر در بسیاری از موقعیت‌ها موجب این تردید می‌شود که اهمیت آماری مجذور کای ناشی از عدم برازش مدل یا در واقع ناشی از حجم گروه نمونه است (هومن، ۱۳۹۰). کای اسکوئر را می‌توان به عنوان عمومی‌ترین و پرکاربردترین شاخص برازش در مدل‌سازی معادلات ساختاری تلقی کرد. هر چه مقدار آن کوچکتر باشد، برازش داده‌ها به مدل بهتر است.

برخی حتی مقدار بسیار زیاد ۵ را متناسب دیده‌اند (Wheaton et al, 1977)؛ برخی مقدار بین ۱ تا ۲ (Tabachnick & Fidell, 2007) و ۱ تا ۳ (Kline, 2005) را در نظر گرفته‌اند. یک معیار رایج برای بررسی مناسب بودن این شاخص این است که حاصل تقسیم مقدار کای اسکوئر بر درجه آزادی بایستی کمتر از مقدار ۳ باشد. در مدل ساختاری پژوهش این مقدار ۱/۳۷ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که مدل از برازش مناسبی برخوردار می‌باشد.

شاخص نیکویی برازش (GFI)^۱: اندازه‌ی مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌هاست که به گونه‌ی مشترک توسط مدل توجیه می‌شود. این شاخص را می‌توان به عنوان مشخصه‌ای مشابه R در رگرسیون چند متغیره در نظر گرفت. مدلی دارای برازش بهتر است که «دارای نسبت پائین‌تری به عنوان پارامتر غیر مرکزی تقسیم بر درجه آزادی» باشد. هر چه GFI نزدیکتر به ۰/۱ باشد مدل با داده‌ها برازش بهتری دارد (هومن، ۱۳۹۰). این شاخص بین ۰ تا یک

^۱ Goodness Fit Index

تغییر می‌کند و مقدار بالاتر از ۰/۹ آن نشان دهنده یک مدل خوب است. مقدار این شاخص در مدل مفهومی پژوهش برابر ۰/۹۹ شده است که از برازش مناسب مدل با داده‌ها حکایت دارد.

ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا (RMSEA)^۱: این شاخص به عنوان دومین شاخص برازش در برنامه لیزرل، یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های برازش مدل در تحلیل گزارش‌های خروجی نرم افزار لیزرل بوده که میزان بد بودن مدل برازش شده را در مقایسه با مدل اشباع شده برآورد می‌نماید (Ullman, 2006, p44) دامنه پذیرش این شاخص را مقادیر زیر ۰/۰۶ (Hu & Bentler, 1999) یا حتی مقادیر زیر ۰/۰۷ (Steiger, 2007) و در سخت‌گیرانه‌ترین حالت دامنه بین ۰ تا ۰/۰۵ به عنوان دامنه پذیرش برازش خوب مدل در نظر گرفته شده است و مقادیر بالای ۰/۱ نشان دهنده برازش ضعیف مدل می‌باشد (Hoyle, 2012; Browne & Cudeck, 1993). مقدار این شاخص برای مدل این پژوهش ۰/۰۴۳ محاسبه شده که نشان از برازش خوب مدل دارد.

شاخص برازش هنجار شده بنتلر- بونت یا (NFI)^۲: این شاخص برای اولین بار توسط بنتلر و بونت (۱۹۸۰) در مقاله‌ای با عنوان آزمون‌های معناداری و نیکویی برازش در تحلیل ساختارهای کوواریانس طرح شد (رامین‌مهر و چارستاد، ۱۳۹۲، ص ۲۷۷). دامنه پذیرش این شاخص در بین مقادیر ۰ تا ۱ توسط بنتلر و بونت مقادیر بالای ۰/۹ در نظر گرفته شده است که نشان دهنده پذیرش مدل می‌باشد و در صورتی که این مقادیر بالاتر از ۰/۹۵ باشد؛ می‌گویند مدل برازش خوبی دارد (Bentler & Bonnet, 1980; Hu & Bentler, 1999). مقدار این شاخص برای مدل پژوهش به برابر ۰/۹۹ محاسبه شده که حاکی از برازش خوب مدل می‌باشد.

شاخص برازش فزاینده (IFI)^۳: این شاخص براساس مقایسه بین مدل نظری و مدل مستقل معرفی گردید. دامنه پذیرش مدل تدوین شده ۰/۹۰ و تأیید خوب بودن مدل برازش شده حداقل ۰/۹۵ در نظر گرفته شد (محسنین و اسفیدانی، ۱۳۹۳). مقدار این شاخص برای مدل پژوهش ۱/۰۰ محاسبه شده که نشان دهنده برازش خوب مدل است.

شاخص برازش تطبیقی (CFI)^۴: این شاخص نیز بر مبنای همبستگی بین متغیرهای حاضر در مدل قرار دارد به نحوی که ضرایب بالای همبستگی بین آنها به مقادیر بالای شاخص برازش تطبیقی می‌انجامد (رامین‌مهر و چارستاد، ۱۳۹۲، ص ۲۷۸). دامنه پذیرش این شاخص نیز بین ۰/۹۰ تا ۱ بوده و چنانچه مقدار آن از ۰/۹۵ بیشتر باشد، مدل موجود برازش خیلی خوبی را نشان می‌دهد (Hu & Bentler, 1999). مقدار این شاخص برای مدل پژوهش برابر با ۱/۰۰ محاسبه شده است که حاکی از برازش خیلی خوب مدل می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نقشه سیاسی جهان از سال ۱۶۴۸ میلادی زمانی که طبق معاهده وستفاليا حق حاکمیت حکومت‌ها در قلمرو سرزمینی آنها به وسیله قدرت‌های بزرگ اروپایی به رسمیت شناخته شد تا کنون دچار تحولات زیادی شده است. تغییر در نظام سیاسی موجود، نگران‌کننده و مخرب است و اغلب به صورت صلح‌آمیز اتفاق نمی‌افتد. زمانی که

¹ Root mean square Error of Approximation

² Normed Fit Index

³ Incremental Fit Index

⁴ Comparative Fit index

دیپلماسی با شکست مواجه می‌شود جنگ رخ می‌دهد. اهمیت و مدت جنگ‌ها بسیار متفاوت است و بیشتر جنگ‌های اصلی، محصول درگیری‌های مهم حل نشده بین حکومت با جدایی‌طلبان است؛ علت درگیری هر چه باشد، درگیری‌ها یک تغییر هستند و همگی نمایانگر یک چشم‌انداز سیاسی و معمولی‌ترین مکانیزم تغییر در نقشه سیاسی جهان هستند (بلاکسل، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰). به طوری که در کشورهای چند ملیتی اگر مناطق جدایی‌طلب از وزن ژئوپلیتیکی قابل توجه نسبت به دولت مرکزی برخوردار باشد دچار نوعی احساس خوداتکائی، جدائی و استقلال‌خواهی می‌شود و مطالبات خود از اکثریت نظیر خودمختاری، خودگردانی، حقوق شهروندی برابر و نهایتاً استقلال سیاسی را مطرح می‌کند. معمولاً چون اکثریت از قائل شدن چنین حقوقی برای اقلیت، به عنوان امری داوطلبانه، امتناع می‌ورزد؛ الگویی مناسبات خصمانه بین مناطق جدایی‌طلب و دولت مرکزی می‌گیرد و خودمختاری یا استقلال یا ادامه‌ی وضع سلطه‌ی اکثریت را تا وقت دیگر به دنبال دارد. بروز هر کدام از این موارد بستگی به میزان تأثیرپذیری مناطق جدایی‌طلب از مولفه‌های سیاسی، نظامی - امنیتی، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و هیدروپلیتیک دارد که در این تحقیق به صورت مدل عملیاتی تحقیق میزان تأثیر تأثیرگذار هر کدام از آن عوامل تبیین شد. نتایجی که بر اساس پژوهش کمی با توزیع پرسشنامه در بین متخصصان جغرافیای سیاسی و سایر رشته‌های مرتبط صورت گرفت و با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر در نرم افزار لیزل، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، نشان داد که به ترتیب عامل سیاسی ۸۰/۴۸، عامل نظامی - امنیتی ۷۸/۳۴، عامل سرزمینی ۷۴/۶۲، عامل ژئواکونومیک ۶۰/۰۷، عامل ژئوپلیتیک ۵۵/۱۲، عامل ژئوکالچر ۵۰/۷۶ و عامل هیدروپلیتیک ۴۷/۳۸، بیشترین تأثیر را بر استقلال‌خواهی مناطق جدایی‌طلب دارند و استقلال‌خواهی مناطق جدایی‌طلب نیز با ضریب ۵/۹۵ بر خودآگاهی و افزایش جنبش‌های جدایی‌طلبانه، در دیگر مناطق تأثیر خواهد داشت. بنابراین با توجه به این نتایج، روابط بین عامل‌های سیاسی، نظامی - امنیتی، سرزمینی، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، هیدروپلیتیک، با استقلال مناطق جدایی‌طلب، بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشند و همچنین بین عامل استقلال مناطق جدایی‌طلب و خودآگاهی و افزایش جنبش‌ها نیز بالاتر از ۱/۹۶ است که نشان دهنده‌ی رابطه مثبت و معنا داری می‌باشد. بر این اساس هر دو فرضیه تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد به صورت زیر مورد تأیید قرار می‌گیرند.

مدل‌سازی در واقع به معنای تفکر استراتژیک بر مبنای عمل و جامع‌اندیشی برای دستیابی به هدف بر پایه‌ی درک واقعیت می‌باشد که در این پژوهش بکار گرفته شده است لذا برای آزمودن میزان بهینه و متناسب بودن مدل با مفاهیم و ادبیات نظری تحقیق بر اساس شاخص‌های برازندگی، این نتایج بدون نیاز به اصلاح مدل ارائه شده به دست آمد که مقدار کای اسکوتر χ^2/df در مدل پژوهش برابر ۱/۳۷، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۴۳، شاخص نیکویی برازش $GFI=0/99$ ، شاخص برازش هنجاریافته $NFI=0/99$ ، شاخص برازش افزایش $IFI=1$ ، شاخص برازش تطبیقی $CFI=1$ بدست آمدند و نشان داد مدل طراحی شده با داده‌های نمونه برازش مناسب و ارتباط نزدیکی با فرض‌های نظری دارد. بر این اساس اهمیت شاخص‌های نوع نظام سیاسی کشور، سطح حمایت‌های خارجی از جدایی‌طلبان، عدم انطباق علت وجودی کشور، ضعف آرمان سیاسی کشور، خودآگاهی جدایی‌طلبان، ناسیونالیسم جدایی‌طلبی به عنوان شاخص‌های سنجش میزان تأثیرگذاری مهمترین متغیر مدل یعنی

عامل سیاسی، باید در اولویت مطالعات مراکز پژوهشی برای تدوین استراتژی‌ها و ترسیم آینده‌ی مناطق جدایی طلب قرار بگیرد تا با توجه به آن از تحولات روز افزون قرن بیست و یکم به نفع مصالح و منافع ملی کشور بهره‌مند شد.

منابع

- احمدی‌پور، زهرا؛ قنبری، قاسم و کرمی، قاسم، ۱۳۹۰، سازماندهی سیاسی فضا، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- آلسن، رابرت، ۱۳۹۲، جنبش‌های ناسیونالیستی گُردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱، ترجمه هاشم کرمی، پانید، تهران.
- انتصار، نادر، ۱۳۹۰، سیاست کردها در خاورمیانه، ترجمه‌ی عرفان قانع‌ی فرد، نشر علم، تهران
- بای، یارمحمد، ۱۳۸۴، هیدروپولیتیک روده‌های مرزی، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
- بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، موانع توسعه‌ی سیاسی در ایران، چاپ چهارم، گام نو، تهران.
- بلاکسل، مارک، ۱۳۸۹، جغرافیای سیاسی، ترجمه‌ی محمدرضا حافظ‌نیا و همکاران، نشر انتخاب، تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا، ۱۳۸۶، فرهنگ جغرافیای سیاسی، نشر انتخاب، تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا و امید‌ی‌اوج، مریم، ۱۳۸۸، ارتباط میان پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره اول، ص ۴۸-۷۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد، ۱۳۸۸، افقهای جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد، ۱۳۹۳، فلسفه جغرافیای سیاسی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاوندی‌کاتب، ابوالفضل، ۱۳۹۶، علل پیدایش و بقای کشور ایران، انتشارات سمت، تهران.
- حق‌پناه، جعفر، ۱۳۸۷، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
- خضری، ستاره و معنوی‌پور، داود، ۱۳۹۵، ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه شخصیت هگزاگو در میان دانش‌آموزان، مجله علوم اعصاب شفای خاتم، دوره چهارم، شماره چهارم، ص ۵۰-۶۰.
- دادس، کلاز، ۱۳۹۰، ژئوپلیتیک مقدمه‌ای بسیار کوتاه، ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و محمد زهدی گهرپور، نشر سهره.
- درایسدل، آلاسدایر و بلیک، جرالداچ، ۱۳۷۴، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران.
- رامین‌مهر، حمید و چارستاد، پروانه، ۱۳۹۲، روش تحقیق کمی با کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (نرم افزار لیزرل)، انتشارات ترمه، تهران.
- رشنو، نبی‌الله و حمیدی‌فراهانی، همایون، ۱۳۹۲، نگاهی به ژئوپلیتیک و دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مرکز ملی جهانی شدن، تهران.
- رضوی، علی، ۱۳۹۰، تجزیه طلبی - جدایی طلبی - استقلال طلبی - سسکسیونیزم (Secessionism)، گروه نارنج سبز.

<http://narengsabz.blogspot.com/1390/01/18/post-84>

- ژرژ، پی‌یر، ۱۳۷۴، ژئوپلیتیک اقلیت‌ها، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات واقفی، مشهد.
- شیخ‌عطار، علیرضا، ۱۳۸۲، کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.
- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۶، نظریه‌های جدید جغرافیای سیاسی، نشر قومس، تهران.
- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۸، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، سمت، تهران.
- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۸، جغرافیای استراتژیک ایران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۹، جغرافیای استراتژیک ایران، جلد دوم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- عزتی، عزت‌الله، ۱۳۹۰، جغرافیای استراتژیک ایران، جلد سوم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- فلینت، کالین، ۱۳۹۰، مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک، ترجمه محمداقبر قالیباف و محمدهادی پوینده، نشر قومس، تهران.
- فولر، گراهام، ۱۳۷۳، قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.
- قربانی‌نژاد، ریباز، ۱۳۸۸، مشارکت سیاسی گروه‌های قومی در نظام‌های سیاسی متمرکز و غیر متمرکز، روژه‌ف، ص ۳۳-۵۴.
- کریمی، ایوب، ۱۳۸۹، جدایی طلبی در اتحادیه اروپا از منظر اقتصاد سیاسی، پژوهشنامه سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۷.
- کریمی‌پور، یدالله و محمدی، حمیدرضا، ۱۳۸۸، ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران، انتخاب، تهران.
- کلای‌مان، آحارون، ۱۳۹۶، قدرت‌های بزرگ و ژئوپلیتیک، ترجمه مهناز محمدی‌زادگان، شورای راهبرد، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
- کوهن، سائول برنارد، ۱۳۸۷، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، انتشارات ابرار معاصر، تهران.
- لوبل، استیون ای و ماسری، فلیپ، ۱۳۹۴، منازعه قومی و سیاست بین‌الملل چگونگی انتشار و افزایش، ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و افشین کرمی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- مبارکشاهی، محمود، ۱۳۹۳، نگاهی به جغرافیای سیاسی کردستان عراق با تأکید بر مسأله‌ی کرکوک، انتشارات نه‌وین، مریوان.
- محسنین، شهریار و اسفیدانی، محمد رحیم، ۱۳۹۳، مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم افزار لیزرل (آموزشی و کاربردی)، چاپ دوم، انتشارات کتاب مهربان، تهران.
- محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین، ۱۳۹۱، ژئوپلیتیک کردستان عراق، نشر انتخاب، تهران.
- مرادی، اسکندر و افضل‌ی، رسول، ۱۳۹۲، اندیشه‌های جدید در ژئوپلیتیک پست مدرنیسم - پسا ساختارگرایی و گفتمان، ناشر زیتون سبز، تهران.
- مصطفی، نوشیروان، ۱۳۹۲، تاریخ سیاسی گردهای ایران، ترجمه رضا خیری‌مطلق، انتشارات رشد، تهران.
- مک‌داوال، دیوید، ۱۳۸۳، تاریخ معاصر کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید، تهران.
- مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و سیدیحیی صفوی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.

- میرحیدر، درّه، ۱۳۸۵، مبانی جغرافیای سیاسی، چاپ سیزدهم، سمت، تهران.
- میرحیدر، درّه، راستی، عمران و میراحمدی، فاطمه‌سادات، ۱۳۹۳، مبانی جغرافیای سیاسی، چ بیستم، سمت، تهران.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۹۰، تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری، بیک فرهنگ، تهران.
- Bentler, P. M., and D. G., Bonett (1980): Significance Tests and Goodness-of-fit in the Analysis of Covariance Structures. *Psychological Bulletin*, 88 (3), PP. 588-606.
- Browne, M. W. and Cudek, R., 1993, Alternative ways of assessing model fit. In K. A. Bollen & J. S. S (Eds.), *Testing structural equation models*. Newbury Park, CA: Sage.
- Christopher J., (2008): Kosovo's Declaration of Independence: Self Determination, Secession and Recognition, *American Society of International Law.*, Vol. 12, Issue2.
- Christopher J. Borgen, (2009): *Imagining Sovereignty, Managing Secession: The Legal Geography of Eurasia's "Frozen Conflicts"*, Legal Studies Research Paper, Electronic copy:
- Connor, W, 1994, *Ethno nationalism: The Quest for Understanding*. New Jersey, Princeton University Press.
- Connolly, K. Cristopher (2013): Independence in Europe: Secession, Sovereignty, and The European Union, *24 Duke Journal of Comparative & International Law.*, PP. 51-105.
- Falk, R, 1991, *the cruelty of Geopolitics: the fate of nation and state in Middle East*, Millennium.
- Glassner, M. 1993, *Political Geography*. New York, John Wiley & Sons.
- Glassner, M., , F. Chuck. 2004, *Political Geography*, New York, John Wiley & Sons.
- Hartshorne, R., (1950): the functional approach in political geography, *Annals of the association of American Geographers.*, 40(20), PP. 95-130.
- Hewitt, Christopher and Cheetham, Tom, 2000, *Modern Separatist Movements*, Oxford: ABC-Clio, 2000
- Hoyle, R. H, 2012, *Handbook of Structure Equation Modeling*. New York, The Guilford press.
- Hu, L. T., P. M., Bentler (1999): Cutoff Criteria for Fit Indexes in Covariance Structure Analysis: Conventional Criteria versus New Alternatives, *Structural Equation modeling*, vol. 6 (1), PP. 1-55.
- Jones, M., Jones, R., M. Woods, 2004, *An Introduction To Political Geography: Space, Place And Politic*, Landon And New York , Routledge.
- Kline, R. B. 2005, *Principles and practice of Structural Equation modeling (2nd Edition ed.)* New York: The Guilford Press.
- Kohen, M. 2006, *Secession International Law Perspectives*. Cambridge University Press .
- Paquin, S (2002): Globalization, European Integration and the Rise of Neo- nationalism in Scotland, *Nationalism and Ethnic Politics*, Vol. 8, No. 1, p58
- Robinson, k. w (1961): Sixty Years of Federalism in Australia, *Geographical Review*, no 51.
- Shulman, S (2002): Challenging the civic/ethnic and west/east dichotomies in the study of nationalism, *Comparative Political Studies*, Vol. 35, No. 5, PP. 554-585.
- Steiger, J. H (2007): Understanding the Limitations of global fit assessment in structural equation model and individual differences, *Personality and Individual Differences.*, 42 (5), PP. 893-898.
- Tabachnik, B. G. and Fidell, L. S. 2007, *Using Multivariate Statistics (5th ed.)*, New York, Allyn and Bacon.
- Wheaton, B., Muthen, B., Alwin, D., F., G. summers (1977): Assessing Reliability and Stability in Panel Models, *Sociological Methodology.*, 8 (1), PP. 84-136.